



National Library
And Archives Of
The I. R. Of Iran

journal of Iranian- Islamic Studies

Print ISSN 2322-2891

Online ISSN 2717-2961.

Vol12.No1. Spring 2022. PP.1-29.

The evolution of textiles in the Pahlavi period with emphasis on the role of Yazd

Sayed Mansour Emamy Maybody *

*. Assistant Professor of the Department of Islamic Education, Farhangian University. Yazd. Iran .smem1349@gmail.com.

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 10 Octo 2021 Received in revised form: 11 Feb 2022 Accepted: 1 Mar 2022 Published online: 4 Apr 2022</p>	<p>Yazd is several thousand years old in textiles, in the Safavid period of the Golden Age and the greatest textile designer in the history of Iran, namely Ghias-ud-Din Naqshband Yazdi. Dozens of fabrics, some of which were unique, were produced in Yazd. The same growth more or less continued during the Pahlavi era, and the establishment of textile industries was introduced as part of industrial development policy.</p> <p>The weakness of private sector investment and the lack of capital security, which were inherited from this past to this dynasty, paved the way for the entry of the first Pahlavi in the industrial investments of this era. Due to high borrowing, World War II, economic recession, etc., fluctuations occurred and as a result of the First World War, the population of Yazd markets and Timcheh became empty and the industry of Sabbaghi, traditional textile weaving, sock weaving, zillow weaving, etc. was disrupted and their owners were forced to trade more. Foreigners were drawn. In continuation of this process, the next generation of Yazdi merchants were formed and dozens of textile factories, etc. were established in Yazd. The great impact of the Silk Road on Iranian trade and the location of sedition in many Iranian cities, including Yazd, led to the growth of various industries, including textiles and textiles in Iran, including Yazd. Yazd was considered, but now the second volume of industrial investment in Yazd province with employment of 25,000 people, is related to textiles.</p>
<p>Keywords: Yazd textile, Fabric, Ghias, Velvet, Pahlavi.</p>	



Yazd ranks second in the production of cotton fabrics and synthetic fibers, second in the production of machine-made carpets, second in the production of Fastoni fabrics and first in the production of rumble fabrics. Yazd ranks first in the field of weaving and second in the field of spinning in the whole country. The plant was purchased from Germany. In Iran, the textile industry grew by machine in the early 14th century. Yazd's first industrial factory was not easily established. Yazdi came and with the help of the National Bank of the company in March 1305, □□□□ □□ □□□□□□□□ □□□□□□□□ □□ ۲۵۰ □□□□□□□□ □□□□□□□□□□□□

a textile factory. By following and reviewing the plans of the first Pahlavi II along with the modernization and upgrading of textile machinery, the Iranian textile industry achieved self-sufficiency in the 1950s.

In the Pahlavi period, the main focus was only on the trade in weaving or Yazdi silk handkerchiefs or making Yazdi bath bags or making cheap Yazdi zillows for most of Iran's mosques. Yazd textile played a significant role in the self-sufficiency of Iran's textile industry in the ۱۹۴۰s. Had. Pahlavi considered Yazd as its origin as one of the poles of Iran's textile industry In addition to the strengths, the establishment of these industries in Yazd faced weaknesses such as lack of specialized manpower and the texture of the agricultural economy in Yazd, prevented the emergence of industrial working class in this area of Iran, so the textile industry in Yazd is facing a shortage of specialized manpower It turned out. To solve this challenge, the first Pahlavi forced the transfer of workers from central Iran to Yazd, a policy that failed. The passage of the law banning the hijab and the uniformization of clothes dealt a severe blow to the silk weaving industry and art. The ban on the import of silk during the second Pahlavi period created many opportunities for huge profits. He came to Yazd. Over time, Yazdi weavers gained special skills not only in artistic weaving but also in designing and manufacturing machines, tools and textile designs. He found that, of course, Kafaf did not produce a high amount of textiles

in Yazd; Therefore, a part of the required silk was imported from the cities around Yazd. And the industry became Yazdi weavers. In Meybod, weaving with a history of about ۶۰۰ years (or even more) is still lived and woven in the hands of powerful old women in some old neighborhoods.

In the desert region of Meybod, with the hot and dry climate, it is necessary for human beings to use suitable fibers for their clothing. Yazd is one of the most famous cashmere weaving centers in Iran, whose weaves are world famous. Following this method of historical research (descriptive-analytical) and citing historical findings and sources, this study deals with the evolution of textiles in the Pahlavi period with emphasis on the role of Yazd in the Pahlavi period.

Cite this article. Emamy Maybody Sayed Mansour, (2022). The evolution of textiles in the Pahlavi period with emphasis on the role of Yazd. *Journal of Iranian and Islamic studies*.vol 12. No1, Peges-1-29.

DOI: 10.30484/JII.2021.2962.1064



© The Author: Emamy Maybody Sayed Mansour,

Publisher: National Library and Archives of the I. R. of Iran

DOI: 10.30484/JII.2021.2962.1064



شماره چاپی ۲۳۲۲-۲۸۹۱
شماره الکترونیکی ۲۷۱۷-۲۹۶۱



دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سیر تحول نساجی در دوره پهلوی اول و دوم با تأکید بر نقش یزد

سید منصور امامی میبدی *

* استادیار و عضو هیأت علمی و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران. رایانامه: smem1349@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸	یزد با قدمت چند هزار ساله در نساجی، در دوره صفویه دوران طلایی و بزرگ‌ترین طراح پارچه در تاریخ ایران یعنی غیاث الدین نقشبند یزدی رابه چشم خود دید. ده‌ها نوع پارچه که برخی منحصر به فرد بودند در یزد تولید می‌شد و همین رشد کم و بیش در دوران پهلوی اول و دوم نیز ادامه داشت و راه‌اندازی صنایع نساجی به‌عنوان بخشی از سیاست توسعه صنعتی مطرح گشت. ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عدم امنیت سرمایه که به‌صورت میراثی از گذشته به این سلسله انتقال یافته بود زمینه ساز ورود پهلوی اول در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی این عصر بود. استقراض زیاد، جنگ جهانی، رکود اقتصادی و غیره، نوساناتی به وجود آورد و در نتیجه جمعیت بازارها و تیمچه‌های یزد خالی گشت و صنعت صباغی، پارچه‌بافی سنتی، جوراب‌بافی، زیلوبافی و... از رونق افتاد. در تداوم این روند نسل بعدی تاجران یزدی شکل گرفتند و ده‌ها کارخانه نساجی و غیره در یزد به وجود آمدند. این پژوهش با پیروی از روش تحقیق تاریخی (توصیفی تحلیلی) و با استناد به یافته‌ها و منابع تاریخی، به سیر تحول نساجی در دوره پهلوی اول و دوم با تأکید بر نقش یزد در دوره پهلوی می‌پردازد. اواخر قاجار و اوایل پهلوی به دلایلی مثل واردات، عدم حمایت دولت از این صنعت، از بین رفتن نسل استادان نساج برجسته، نابودی شرایط تولید مواد خام و... با وجود لطمه به صنعت نساجی، یزد یکی از مناطقی بود که توانست نه تنها صنعت نساجی را رونق دهد بلکه با تولیدات متعدد و فراوان و مرغوب و احیاء مجدد و رشد این صنعت آن را به آیندگان منتقل کند.
واژه‌های کلیدی: نساجی، یزد، پارچه، سلطنت پهلوی.	

استناد: سیدمنصور امامی میبدی (۱۴۰۱) سیر تحول نساجی در دوره پهلوی اول و دوم با تأکید بر نقش یزد، مجله مطالعات ایرانی و اسلام، دوره ۱۲، ش ۱، صص ۱-۲۹.

Doi: 10.30484/JII.2021.2962.1064

© نویسنده: سید منصور امامی میبدی

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران





مقدمه:

با توجه به جایگاه برجسته نساجی در تمدن ایرانی، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با تکیه بر اعتلای این صنعت در عصر پهلوی، جایگاه و سهم یزد را در این فرایند با محوریت برجستگی منسوجات پارچه‌ای بررسی نماید. تأثیر بسیار زیاد راه ابریشم در بازرگانی ایران و قرار گرفتن بسیاری از شهرهای ایران از جمله یزد بر سر این راه موجب رشد صنایع متعدد از جمله نساجی و پارچه‌بافی در ایران از جمله در یزد شد. در مورد پیشینه این پژوهش آنچه مورد توجه است این که منابع قدیمی و جدید متعددی هر چند به صورت پراکنده وجود دارد لیکن به طور اختصاصی پیشینه ای یافت نشد. در میان مطالعات مرتبط با صنعت نساجی در ایران آثاری از یآوری و طالب پور (پارچه و نساجی در ایران) و علمدار (بررسی کمی و کیفی ضایعات نساجی یزد و ارائه کاربردهای مناسب) و اسلامی ندوشن (صنایع نساجی در یزد) (تاریخچه، استعدادها و چالش‌ها) در دست است که به صورت گذار به موضوع این مقاله اشاره دارند هر چند بطور مقطعی که همین موضوع باعث شده است تا جای مطالعه و گردآوری و جمع بندی اطاعات کماکان برجا باشد مطابق این مطالعات بعد از دوران طلائئ رشد نساجی در دوره صفویه در ایران و به تبع آن یزد در عهد افشاریه و زندیه، این صنعت در سطح کشور افول کرده است و این دوره به استناد استادان نساجی دوره سکوت خوانده می‌شود، ولی با وجود آن یزد همچنان این صنعت را حفظ کرده و در ادامه حکومت قاجاریه مجدداً این صنعت در یزد بسیار شکوفا شده است. این روند در دوره پهلوی نیز به شکل کم و بیش ادامه یافت. نه تنها در گذشته صنعت نساجی هسته اصلی صنعتی و اقتصادی یزد به شمار می‌رفته است، بلکه در حال حاضر نیز دومین حجم سرمایه‌گذاری صنعتی در استان یزد با اشتغال ۲۵۰۰۰ نفر، مربوط به نساجی می‌باشد. (نادر پور، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰-۱۳۸۸، بهبود مدیریت، ۱۳۹۴، ش ۲: ۷۷-۹۶). یزد دارای رتبه دوم در تولید پارچه‌های پنبه‌ای و الیاف مصنوعی، رتبه دوم از نظر تولید فرش ماشینی، رتبه دوم در تولید پارچه فاستونی و رتبه اول در تولید پارچه رومبلی است. (خجسته، ۱۳۹۲: ۱۲۳) (یزد اولین رتبه در شاخه بافندگی و دومین رتبه در شاخه ریسندگی در کل کشور را داراست). (علمدار یزدی، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۰، شرکت شهرک صنعتی یزد، ۱۳۸۹: گزارش). تحولات نساجی این دوره ذو سوال را مطرح می‌نماید این که: تحولات نساجی در یزد متکی بر نقش هنرمندان یزدی چگونه توصیف شده است؟ محصولات

مجمه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

و دست‌آوردهای این تحولات در کشور و در یزد چه بوده است؟ در این پژوهش تلاش خواهد شد تا متکی بر منابع و شواهد تاریخی به این دو سوال اصلی پاسخ داده شود.

صنعت نساجی در ایران دوره قاجاریه

شاید بتوان اعا کرد که آغاز عصر باشکوه طراحی منسوجات در ابتدای سلطنت فتحعلی شاه، بوده باشد چراکه می توان بدرستی در این دوره تکامل نقوش عصر صفویه و زندیه را در قالب ترکیب بندی متقارن با زمینه هندسی و نقوش بته گلی مشاهده کرد. (فرهود، ۱۳۸۶: ۴) اما این روند چندان ادامه نیافت زیرا در عصر ناصرالدین شاه، با ورود فرهنگ و هنر اروپایی توجه و استقبال مردم تا جایی بالا گرفت که پوشاک آنها نیز متأثر از آن فرهنگ تغییر کرد. (کرزن، ۱۳۶۴: ۱۴۷، نجفی، ۱۳۷۸: ۱۳۹-۱۳۱، گنجینه اسناد: ۷۶) با ورود پارچه‌های نهی اروپایی به ایران با بهای ارزان‌تر، صنایع بافندگی ایران با خطر جدی مواجه شد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۸۱، انصاری رنانی، ۱۳۸۰: ۱۳) و این روند در اواخر دوره قاجار به حدی فزونی گرفت که هر روز بر تعداد کارخانه‌ها نساجی اروپا افزوده می شد و رفته‌رفته آمریکا و موسسات گوناگون مد لباس هم به خیل آنها افزوده شد (مژگان، ۱۳۸۰: ۱۵۹، شریعت پناهی، ۱۳۷۳: ۱۱، ۲۵، ۳۲ و وولف، ۱۳۷۲: ۲۵۲) مطابق اسناد موجود در دوره احمدشاه مجموعاً ۲۰ کارخانه صابون پزی، چرم‌سازی و نساجی در کشور تأسیس شد. در نهایت در سال ۱۳۰۱ برای حمایت از تولیدات داخلی قانون منع واردات منسوجات خارجی تصویب گردید (معتضد، ۱۳۶۶: ۷۳۰). به دنبال این سیاست باردیگر صنعت نساجی رونق گرفت چنانکه در یزد، مجدداً صنعت نساجی بهبود یافت. برخی از محصولات آن هم‌چون پارچه، زربفت و شال مخصوصی که به نام «شال ابریشم» نام داشت، در این دوره بافته می شد گفتنی است رنگ این شال از رنگ‌های طبیعی مانند روناس، گل زعفران، نیل، پوست انار و زاج کبود تهیه می شد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۲۹ و طالب پور، ۱۳۸۶: ۷۸) و زنان، چرخ‌های نخ ریزی و ماسوره پیچی را مجدداً به حرکت در آوردند (دهقان منشادی و هاشمی باجگانی، ۱۳۷۹: ۲۸۲). از آنجا که به دلیل بیماری و کم شدن تخم نوغان صنعت نساجی تهدید می شد، دولت به کارگزاری‌های خود در گیلان و سبزوار دستور مبنی بر ممنوع بودن صادرات نوغان داده شد. (سند شماره ۱۵-۸-۱۲۹۳ (رمضان ۱۲۹۳) به دنبال آن دولت قراردادی با گر یگورا (تبعه عثمانی) و محمود خان ناصرالملک بست مبنی بر تأسیس کارخانه ابریشم کشی در گیلان (سند شماره ۱۷-۱۰-۱۲۷۹-۱۲۸۰ ه. ق) و به تبع آن به دیگر اتباع عثمانی (سند شماره ۲۹-۱۸-۱۳۱۷ ه ق) و (سند شماره ۲۰-۲۹- (ذی‌الحجه ۱۳۱۷) حتی اتباع روسی (سند شماره ۲۹-۱۸) دولت دستور جلوگیری از صادرات نوغان داده شد. (استاد: ۱۸-۵-۱۲۹۳ ه ق) رشد و صنعتی شدن نساجی مقارن با

صدارت امیرکبیر بود. (صدری، ۱۳۸۷: ۱۹۵). در سال ۱۲۸۲ ه. ق به واسطه آفت پیرین^۱ ابریشم در صفحات جنوبی ایران و عدم بازدهی مطلوب، پرورش کرم ابریشم در یزد کنار گذارده شد (معتضد، ۱۳۶۶: ۶۲۴). بنابراین اسناد تاریخی در یزد هزار دستگاه ابریشم بافی وجود داشت که بیشتر زنان با آنها کار می‌کردند. (کلارا کولیور، ۱۳۶۶: ۱۸۰ و ۲۳) کاپیتان کریستی که در سال ۱۸۱۰ از یزد عبور کرده است، مرغوبترین ابریشم (شعر بافی) را از آن آنجا می‌داند. (کریستی، ۱۸۱۶: ۴۲۱). در اواخر قرن نوزدهم با اتوماتیک شدن ماشین‌های بافندگی (تشکری بافقی، ۱۳۹۲، پژوهش نامه اجتماعی و اقتصادی، ش ۱: ۶۲) رفته رفته نوع و ماهیت صنعت بافندگی و نساجی تغییر کرد.

آنچه مسلم است بنابر اسناد موجود در قرن ۱۹ یزد شهری بزرگ و پرجمعیت و در بین بازرگانان به داشتن امنیت مشهور بوده است. البته این شهرت با رونق تجارت ابریشم، فرش، نمد، شال و لباس نخی ضخیم پیوندی ناگسستنی داشت. وجود راه‌های تجاری بین هندوستان، خراسان، بغداد و ایران و رونق بازارهای این مناطق موجب شده بود تا تجارت در شهر یزد گسترده‌تر از ادوار پیشین باشد. در شهر یزد بیش از ۵۰۰۰۰۰ شتر وجود داشت که مؤید وسعت تجارت در این منطقه است. (کریستی، ۱۸۱۶: ۴۲۱) کمبود نزولات جوی عدم رونق کشاورزی در این منطقه موجب شده است تا امرار معاش مردم وابسته به تولیدات صنعتی مثل منسوجات و سفال باشد. (ابویی اردکان و معتمدی، پاییز ۹۱، بهبود مدیریت، ش ۱۷: ۱۲-۱۱). همین روند و توجه مردم به رونق سفالگری و منسوجات آنها را به تأسیس کارخانه‌های مرتبط سوق می‌داد بر همین اساس کارخانه ریسمان‌ریسی در سال ۱۲۷۵ ق. در یزد تأسیس شد. (تلاش، ۲۵۳۶: ۷۲) گرچه خشکسالی و کمبود آب سرعت بر پوشش گیاهی این منطقه اثر نهاد و رفته رفته کاشت درخت توت (برای پرورش کرم ابریشم) به دلیل نبود بازار برای پارچه‌های تولید داخل از بین رفت و به جای آن کشت خشخاش رواج یافت. به طوری که از یزد سالانه ۲۰۰۰ صندوق تریاک صادر می‌گردید. (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۲ و تشکری بافقی، ۱۳۹۲: ۱۷۳) و این روند افول صنعت پارچه بافی را در یزد به دنبال داشت.

سیر تحول نساجی یزد در دوره پهلوی اول

نساجی در دوره پهلوی اول و دوم می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود: ۱. توجه به نساجی از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۱-
 ۲. جنگ جهانی و رکود تأسیسات نساجی از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶- ۳. بازگشت تدریجی به حالت عادی از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۳-
 ۴. از ۱۳۳۳ توسعه نساجی و افزایش تولید تا پایان (بابایی، ۱۳۹۳، فصلنامه نقد کتاب: ۱۵۷) از اواخر قاجار تجار وطن پرست یزد به تأسیس کارخانه‌های پارچه ابریشمی و پشم ریزی و همچنین کارخانه‌ای

^۱. pebrine.

مجمه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

مخصوص اتوکشی پنبه‌ای و ابریشمی صنایع نساجی یزد اقدام نمودند. تجاریزیدی وسایل کارخانه مزبور را از آلمان خریداری نمودند. (مسعودی، ۱۳۱۱، ش ۵۶، رجائی، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۳۹۱ و عاقلی، ۱۳۸۰: ج ۳: ۵۲ و سیف، ۱۳۷۳: ۱۲۳ و است، ۱۳۷۷: ۱۸۰). جرج کرزن در دهه آخر قرن ۱۹ می‌گوید: «گذشته از اشیاء تجلی غربی که طبقات بالا به آن معتاد شده‌اند، پوشاک همه طبقات جامعه، از مردان گرفته تا زنان، جملگی از غرب وارد می‌شود. (کرزن، ۱۳۶۴: ۱۰۵ و ۱۰۴). کارخانه‌های نساجی که پهلوی اول در ایران تأسیس کرد به دو گروه اصلی از نظر پیشینه صنعتی و مکانی تقسیم می‌شوند: نخست کارخانه‌هایی که در شهرها و استان‌هایی دارای پیشینه پیشینه صنعت نساجی: مانند یزد، اصفهان، کاشان و... بودند دوم کارخانه‌هایی که در مناطق بدون پیشینه نساجی. صنایع نساجی که پهلوی اول در یزد تأسیس کرد.

احداث کارخانه‌های پارچه‌بافی در یزد در دوران پهلوی اول

در ایران از اوایل قرن ۱۴ ه. ش صنعت نساجی به صورت ماشینی رشد چشمگیری یافت (نصیری، تیر ۱۳۹۱، ش ۲۲۴ واکر من، ۱۳۶۱: ۱۵۴ و میرشمسی، ۱۳۸۳، ش ۲۱: ۶۹). اولین کارخانه صنعتی یزد به سادگی تأسیس نشد. ابتدا زمزمه لزوم صنعتی شدن شهر یزد، به خصوص در بخش نخ ریزی و پارچه‌بافی به گوش می‌رسید، و هر دو گروه سیاسی اقتصادی طرفدار رضاشاه از یک طرف، و طرفدار سید ضیاءالدین طباطبائی از طرف دیگر، با این امر موافق بودند. تصور می‌رفت با شکست سید ضیاء در صحنه سیاست و عداوت پنهانی که رضاشاه با برخی از یزدیان و در نتیجه با شهر یزد داشت این امر به زودی صورت نگیرد. اما دکتر طاهری، نماینده یزد در مجلس شورای ملی که نفوذ قابل توجهی هم در دستگاه‌های اداری پهلوی داشت، به یاری تجار ترقی خواه و اقتصاد گرای یزدی آمد و به کمک بانک ملی شرکتی در اسفند ۱۳۰۵، با سرمایه اولیه ۲۵۰ هزار تومان، برای ایجاد کارخانه‌ی نساجی تأسیس کردند. کارشکنی‌های طرفداران سیدضیاء که از جمله در شهر شایع کرده بودند که با ایجاد این کارخانه درآمد زنانی که از راه نخ ریزی امرارمعاش می‌کنند و قابل استخدام در کارخانه نیستند تا عمده‌فروشان و خرده‌فروشان نخ مختل خواهد شد، و از بیم بانک ملی نقش خود را از شراکت با این گروه کنار کشید. بنیان‌گذار کارخانه، حاج ملک التجار به‌عنوان سرمایه‌گذار اصلی بود. کارخانه در حالی که هنوز واقعاً آماده نبود، در روز ۲۴ اسفند ۱۳۱۳ افتتاح شد و از ابتدای سال ۱۳۱۴ به تدریج به راه افتاد، و فضای شهر را به سوی جدید ونو شدن کشاند. تاریخ رسمی افتتاح آن در برخی از منابع سال ۱۳۱۲ آمده است. (آیت الهی، ۱۳۹۲: ۲۳) برخی دیگر از تجار شهر یزد، به ویژه تجاری که حرف مرد «اصالتاً» غیر یزدی و بی‌اعتنا به کنترل اجتماعی در این شهر بودند، مثل «حاج ابوالقاسم گرجی» که اصالتی گرجستانی داشت و «حسینعلی هراتی» که اجدادش از منطقه هرات افغانستان به محلّه‌های شمال و شمال شرقی یزد مهاجرت کرده بودند نیز به فکر تأسیس کارخانه‌هایی صنعتی افتادند. ساختمان زیبای کارخانه

به موقعیت آن و جایگاه و موقعیت آنجا افزوده بود. بازده سریع کارخانه از همان ابتدا بر تمام شایعاتی که توسط مخالفان، یعنی طرفداران سید ضیاء و امثال ایشان، به راه افتاده بود خط بطلان کشید و به زودی تا سال ۱۳۱۷ ه. ش هر سهم ۱۰۰ ریالی آن در بازار به ۲۰۰۰ ریال معامله شد. (آیت الهی، ۱۳۹۲: ۲۵). از سال ۱۳۱۳ تا سقوط پهلوی اول در سال ۱۳۲۰، ۱۳۱ واحد نساجی در بخش بافندگی و ریسندگی شکل گرفت. این تولیدات تنها ۱۵ درصد از نیاز داخلی را تأمین می‌کرد. (فلور، ۱۳۷۱: ۹؛ و رزاقی، ۱۳۶۸: ۸۶).. با پیگیری و بازبینی در برنامه‌های نخستین پهلوی دوم در کنار نوسازی و به روز رسانی ماشین‌آلات نساجی، صنعت نساجی ایران در دهه ۵۰ به خودکفایی دست یافت. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۱۱ و کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸۵). توجه عمده در دوره پهلوی تنها به تجارت در زمینه پارچه‌بافی و یا دستمال ابریشم یزدی و یا ساخت کیسه حمام یزدی و یا ساخت زیلوهای ارزان قیمت یزدی برای اغلب مساجد ایران به کار می‌رفت. برخی از کارگران ماهر یزدی از همین کارگاه‌های یزد به کارخانه‌های جدید نساجی مازندران منتقل شدند. کارخانه کشبافی یزد و کارخانه پشم‌ریسی یزد از اولین کارخانه‌های صنعتی ایران در دوره پهلوی بودند. (مجد، ۱۳۸۹: ۹۲) مخبرالسلطنه هدایت نقل می‌کند: «مرغوبیت پارچه‌ها، مال یزد است» (مخبرالسلطنه، ۱۳۸۹: ۴۸۱) تاجران یزدی در سال ۱۳۰۹ در شهر اصفهان یک کاروان سرای تجاری به نام کاروان سرای یزد دایر کرده بودند که محصولات خود را به اصفهان می‌فرستادند (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۵: ۵۳۰) تاجران یزدی کرک زرد و یا کرک سفید را از نواحی مختلف ایران خریده و برخی‌ها کرک سفید را از راه بندرعباس به انگلستان جهت ساخت پارچه‌های مدرن می‌فرستادند (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۱) روزانه ۳۰۰ بقچه از نخ نمره ۲۰۰ که از پنبه رفسنجان تهیه می‌شده در کارگاه‌های محلات یزد مصرف و تولید می‌شد (بیشین: ۱۲۶). در سال ۱۳۱۱ ش کمیون نساجی در بلدیة یزد تأسیس می‌شود که یک نوع پایه اداره استاندارد ملی در این شهر است. تجار و اصناف دوره رضاشاه و در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۰۰ الی ۱۳۲۰ ش در کمیون نساجی یزد در مورد درمورد مرغوبیت و ترویج منسوجات یزدی فعالیت می‌کردند. (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ج ۲، ۱۳۸۱: ۵۹۶). در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی به تعدادی از تاجران یهودی و بایی بر می‌خوریم که برخی از آنان از محله فه‌آدان یزد بودند و اغلب ابریشم‌بافی‌های مهم یزد هم در خانه‌های تاجران یهودی یزد تولید می‌شد و این نوع از تاجران در اواخر دوره قاجاریه یک نوع حلقه واسطه تجارت داخلی و عامل انتقال تجارت خارجی با ایرانیان در این دوره تاریخی بودند (دستره، ۱۳۶۳: ۱۵۳). از شمار کارخانه‌های تأسیس شده در سراسر ایران در دوره رضاخان، ۱۷ مورد آن به کارخانه‌های نساجی اختصاص یافته بود. (رضوی، ۱۳۱۷: ۵۷۶-۵۷۳). نساجی عمده‌ترین صنایع اشتراکی بین بخش دولتی و خصوصی بود که شاید تا حد فراوانی با سیاست متحدالشکل کردن لباس در ایران عصر رضاشاه مرتبط بوده است. نخستین کارخانه نساجی در سال ۱۳۰۴ ش در ایران تأسیس یافت (فاضلی،

مجمه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

۱۳۸۳: ۳۸۱) به دنبال آن واحدهای مختلف صنعتی در ارتباط با نساجی از قبیل نخ ریسی، گونی‌بافی و غیره در یزد، کرمان، کاشان، گیلان و مازندران ایجاد گشت (حسن نژاد، ۱۳۹۳: ۳۳ و فوران، ۱۳۹۰: چاپ ۱۱، س ۶ ش ۲۰: ۱۳۹۰، ۹۸). هرچند این کارخانه‌ها از حمایت جدی دولت برخوردار بودند، بسیاری از آنان در چارچوب کارخانه‌های خصوصی می‌گنجیدند. در سال ۱۳۱۰ صنایع دستی که در یزد به وجود آمد شامل: یک دستگاه ماشین‌الکتریکی، یک دستگاه پارچه‌بافی، دو ماشین ژاکت و قریب به ۱۵ دستگاه جوراب‌بافی و مچ پیچ باقی و ۸۶۰ دستگاه قالی‌بافی و قریب ۵۰۰ دستگاه پنبه پاک کنی و پشم ریسی و قریب ۴۰ دستگاه زیلوبافی و دستگاه‌های متعدد نساجی که در شهر یزد و یا در سایر توابع یزد بودند و نیز کارگرهای یزدی با آن دستگاه‌ها مشغول فعالیت پارچه‌بافی بودند. حکومت یزد این نوع صنایع دولتی را در دفاتر اداره مالیه دوره رضاشاه و در سال ۱۳۱۰ ش ثبت کرده و به دربار پهلوی ارسال کرده است (طلوعی، ۱۳۹۳: ۸۸۵ و تفرشی، ج اول، ۱۳۷۱: ۳۱۶ و ۳۶۲ و بارل، ۱۳۹۲: ۱۱۹۶ و ۷۸۳ و ۱۴۹۳ و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۹۴ و ۶۷۰ و ۶۶۹).

سیر تحول نساجی یزد در دوره پهلوی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم و اعلام بی طرفی ایران صنعت نساجی بار دیگر به دلیل کاهش ورود کالاهای مختلف به داخل کشور به‌ویژه لوازم ماشین‌آلات مختلف و مواد شیمیایی مورد نیاز در صنعت نساجی دچار رکود گردید. (شایسته فر، ۱۳۸۷: ۲۴۲، جسیم، ۱۳۹۱: ۲۴۸ و ۲۷۶ و ۲۷۷، ضرابی زاده، ۱۳۹۱: ۵) دولت‌های انگلیس و روس با واردات پارچه‌های ارزان خود به بازار ایران از تولید پارچه‌های دست باف در کشور جلوگیری کردند و به این ترتیب پارچه‌بافی در ایران رو به نابودی حرکت کرد (شایسته فر، ۱۳۸۷: ۱۰۲) خروج رضاشاه از کشور و تزلزل سیاسی دولت و مجلس، حضور متفقین و عدم کنترل واردات سبب شد که در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ کالاهای تولید نساجی‌های خارجی کشور را فرا گیرد و ارزش فراوانی از کشور خارج شود. این روند سبب شد در سال ۱۳۳۰ کارخانه‌های نساجی به‌ویژه نساجی شاهی و حریربافی چالوس با شورش‌های کارگری فراوانی روبه‌رو شده و چرخه تولید در آنها متوقف گردد. (مستوفی، ج ۲، ۱۳۴۳: ۴۲۹ و ساکما، ش ۷۰۰۵۲۵ و طالب پور، ۱۳۸۶: ۱۲۳ و حسن نژاد، ۱۳۹۳: ۴۱). با پایان کشمکش‌های سیاسی و تثبیت دگرباره امور و با آغاز برنامه عمرانی اول در سال ۱۳۳۶ (بعد از کودتا)، اصلاحاتی در صنایع نساجی روی داد که به حیات مجدد و خودکفایی این صنایع منجر شد. (شیرین کام، ۱۳۹۰: ۲۹۴ و ۱۰۳ و ملازاده، ۱۳۷۹: ۳۴۳ و ۴۸۱ و موسوی، ۱۳۸۳: ۲۷۳ و ۲۷۴). نساجی یزد نقش قابل ملاحظه‌ای در خودکفایی صنایع نساجی ایران در دهه ۴۰ داشت. پهلوی یزد را خاستگاه خود به‌صورت یکی از قطب‌های صنایع نساجی ایران مطرح کرد این انتخاب همچنین

مبتنی بر فراهم کردن مواد اولیه خام (تولیدات کشاورزی) مور نیاز بخش تولیدی مانند پنبه، کتان و تولیداتی از این قبیل در صنایع نساجی بود. اقتصاد یزد به طور سنتی با کشاورزی پیوند داشته و به رغم خودکفایی در تولید کشاورزی، از لحاظ صنعت نساجی ماشینی، پیشینه‌ای نداشت. علاوه بر نقاط قوت، تأسیس این صنایع در یزد با ضعف‌هایی مواجه بود از جمله کمبود نیروی انسانی متخصص و بافت اقتصاد کشاورزی در یزد، مانع از پیدایی طبقه کارگر صنعتی در این ناحیه از ایران بوده لذا صنعت نساجی در یزد با کمبود نیروی انسانی متخصص روبه‌رو شد. پهلوی اول برای حل این چالش به انتقال اجباری کارگران از نقاط مرکزی ایران به یزد دست زد که سیاستی ناموفق بود، اما پهلوی دوم در سیاست‌های توسعه صنعتی خود با اعزام کارگران بومی به اروپا برای آموزش‌های بیشتر و ایجاد جاذبه‌هایی برای جذب کارگران مهاجر از سایر نقاط ایران موفق شد تا حدی به این فقدان پاسخ دهد. در نظر گرفتن عوامل اقتصادی و جغرافیایی از سوی موسسان نساجی یزد از عوامل توفیق صنعت نساجی در این ناحیه از کشور بوده است. (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۱۱۶۹ و اشرف، ۱۳۵۹: ۲۳ و رزاقی، ۱۳۶۸: ۱۳۱۸ و سند شماره ۷۱۸۲۳۰، مکاتبه وزارت داخله و شهربانی). چندسال پس از راه‌اندازی کارخانه نساجی شاهی، در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸ م)، یک کارخانه حریربافی در شهر چالوس افتتاح شد و در همان سال، کارخانه ابریشم‌بافی یزد به دلیل نبود درخت توت و در نتیجه نبود ابریشم (ابریشم تولیدی در مازندران در کارخانه تازه تأسیس چالوس مورد استفاده واقع می‌گشت) با رکود مواجه شد (مستوفی، ج ۳، ۱۳۴۳: ۳۴۲۹). تغییرات فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون در عصر پهلوی تقاضا ابریشم را از کاربرد معیشتی به کاربری لوکس و تزئینی تغییر داد در نتیجه بازار آن عصر با کاهش تقاضا در این کالا رو به رو شد و از سوی با ماشینی کردن صنعت ابریشم، تولید آن را افزایش داد در واقع عرضه افزایش یافت و مازاد تولید (عرضه) در آن دوره سبب کاهش قیمت ابریشم گردید و در نهایت زمین‌های کشاورزی که برای تأمین مواد اولیه ماشین‌آلات صنعتی ابریشم، از کشت برنج و چای و توتون تغییر کاربری به توتستان داده بودند با کاهش درآمد مواجه شدند و این کاهش ضربه سختی به کشاورزی بومی وارد. هر چند در این دوره بسیار تلاش گردید تا صنعت ابریشم مطابق با تکنولوژی و استانداردهای آن دوره در اروپا همگن شود (وشمه، علی، سهیلا ترابی فارسانی و ناصر جدیدی، ۱۳۹۶: ۷۸-۶۷). در زمان مصدق تشویق وی به سرمایه‌داران امکان داد تا تعداد زیادی کارخانه‌های نساجی در اصفهان، یزد، کاشان و دیگر شهرها راه‌اندازی شد. (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۴۲). محمد رضاشاه حامی تغییر و نوسازی بود و اصلاحاتی انجام داد، اما برنامه‌های اصلاحات به شکلی طراحی شده بودند که الگوهای سنتی و سیاسی را در ایران حفظ کنند. این برنامه‌ها در به وجود آوردن تحول اقتصادی اجتماعی اصیل در کشور موفق نبودند و به عبارتی، از آنجاکه اجرای اصلاحات و از جمله برنامه‌های توسعه اقتصادی بر اساس الگوهای پاتریمونیال بودند

مجمده مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

که در شخص‌گرایی، رقابت ناصحیح، ناامنی، بی‌اعتمادی و ناهماهنگی در تصمیم‌گیری بازتاب می‌شد، از توسعه اقتصادی موفقیت‌آمیز در کشور جلوگیری می‌کرد. (یوسفی نیا، ۱۳۸۸: ۸۰ تا ۸۲، اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

ابریشم‌بافی یزد در دوران پهلوی

در دوره‌ی پهلوی دوم ابریشم‌گران‌بهترین لیف طبیعی بود که توسط کرم ابریشم تهیه می‌شود. (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۱۴۹ و ۱۵۰) تصویب قانون منع حجاب و متحدالشکل کردن لباس‌ها ضربه سختی بر صنعت و هنر ابریشم‌بافی وارد نمود (ضرابی زاده، ۱۳۹۱: ۵). ممنوعیت ورود ابریشم در زمان پهلوی دوم فرصت‌های زیادی را برای کسب سودهای هنگفت به وجود آورد. محمد رضاشاه کارگرانی برای کارخانه ابریشم‌بافی‌اش در چالوس استخدام کرد و در صدد نابود کردن صنعت ابریشم‌بافی در یزد برآمد (مجد، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۳). مهم‌ترین کارخانه‌های ابریشم‌بافی در کاشان، یزد، تبریز و مشهد بود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸۲، اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰: ۳۹، عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۱۲-۴۱۹، ورهرام، ۱۳۸۵: ۲۱۷). ویژگی محصولات این شهرها نرمی و نازکی، دقت بافت و چشم‌نواز بودن رنگ هاست و یزد از مراکز اصلی نساجی و ابریشم‌بافی در این دوره به شمار می‌آمد. (آکرمن، ۱۳۶۱: ۳۱ و توحیدی، ۱۳۴۶: ۳ و ۲۲) یزد نه تنها به سبب معماری ویژه، بلکه به سبب وجود صنایع گوناگون از جمله صنعت بافندگی‌اش، شناخته شده است (نیدرمایر، ۱۳۶۳: ۲۹۹). شهرت یزد در بافندگی در پرتو اندیشه، دقت، ظرافت و ذکاوت حاصل شده است (هدین، ۱۳۸۱: ۶۲۷). به مرور بافندگان یزدی نه تنها در بافته‌های هنری بلکه در طراحی و ساخت دستگاه‌ها، ابزار و طراحی پارچه مهارت خاصی یافتند و به این ترتیب صنایع نساجی یزد در مسیر ترقی و پیشرفت قرار گرفت و در کنار تولیدات منسوجات باکیفیت کارهای جانبی نظیر نوغان‌داری، در یزد رواج یافت که البته کفاف میزان بالای تولید منسوجات را در یزد نمی‌داد، لذا بخشی از ابریشم مورد نیاز از شهرهای اطراف یزد وارد گردید (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۱: ۵۹۷ و ۵۳۰). با ورود دستگاه ژاکارد، برای بافت ترمه که از سال ۱۳۴۲ در یزد رایج شد تأثیر عمیقی بر ساختار منسوجات ترمه دستی وارد آمد و این امر سبب منسوخ شدن این فراورده دستی که روزی معرف هنر و صنعت بافندگان یزدی بود گردید و همچنین باعث شد تعداد دستگاه‌هایی آنکه قبل از ورود ماشین‌های بافندگی بالغ بر ۳۰۰ دستگاه بود در سال ۱۳۵۰ به ۸۰ عدد برسد (یاوری، ۱۳۷۶: ۲۲ و میرشمسی، ۱۳۸۳: ۲۱: ۶۹). بعد از سال ۱۳۳۰ به دنبال تکمیل قدرت نساجی یزد و تبدیل آن به صنایع نساجی مدرن، تعداد زیادی کارخانه‌های نساجی در یزد به وجود آمد. بعد از کودتای ۱۳۳۲، روند توسعه صنایع نساجی در یزد افزایش یافت، از جمله ایجاد کارخانه «یزد باف» (یزد ۱۳۳۵) که چندین دهه است که سهم عمده‌ای از محصولات کارخانه به کشورهای آلمان، ایتالیا، ترکیه، یونان و فرانسه صادر می‌شود. (پایگاه رسمی شرکت یزدباف و پایگاه پوشاک و نساجی ایران) کارخانه‌های بزرگ نساجی همچون یزد باف، درخشان، افشار، تابان، گردباف، پلاس

باف، جنوب یزد، سلک باف و غیره در یزد وجود داشت که برخی از آن‌ها هم اینک نیز دایر است. خانواده‌های حکیم زاده و ریسمانی و حاج میرزا تقی رسولیان که هنوز خانه و کوچه رسولیان در خیابان امام خمینی معاصر مشهور است، آن را ایجاد کردند. حکیم زاده یزدی که در تهران و یزد تجارتخانه داشت در تأسیس کارخانه‌های یزد باف و رنگین و پلاستیران و فیلکو نقش داشت. حکیم زاده در ابتدای فعالیتش تنها یک حق‌العمل کار معمولی و تاجر عادی یزدی بود ولی به تدریج خانواده حکیم زاده از تجار و صاحبان صنایع مهم یزد شدند و در سال‌های بعد از ۱۳۳۲ ش و با کمک پول‌های اصل ۴ ترومن، شرکت تعاونی دست بافتان یزد و حدود سیصد ماشین دست باقی از ژاپن خریداری شد و به یزد وارد گردید که می‌توانست تولید هر کارگر یزدی را تا ده برابر بالا برد (طلوعی، ۱۳۹۳: ۸۸۵ و تفرشی، ج اول، ۱۳۷۱: ۳۱۶ و ۳۶۲ و بارل، ۱۳۹۲: ۱۱۹۶ و ۷۸۳ و ۱۴۹۳ و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۹۴ و ۶۷۰ و ۶۶۹). بعداً رضا حکیم زاده و محمود ریسمانی از اعضای هیئت‌مدیره کارخانه یزد باف شدند که در سال ۱۳۳۶ در شهر یزد تأسیس گردید و ۶۰۰ کارگر داشت. کارخانه مزبور ماهانه یک میلیون متر پارچه تولید می‌کرد و برخی از افراد خارجی نیز در آن کارخانه استخدام کرده بودند، نظیر جرج یان (سپهری، ۱۳۶۴: ۱۱۰۱ و ۸۹۹ و ۵۷۸ و ۲۹۱ و انصاری، ۱۳۹۱: ۵۸). هراتی و افشار هر کدام به تأسیس یک کارخانه نساجی مهم در یزد اقدام کردند (مجد، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۳۳ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳) کارخانه افشار در سال ۱۳۳۸ و کارخانه پتوبافی افشار در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد (خورشیدی، ۱۳۸۰: ۱۲۵) در این دوره تاریخی یک باشگاه کارگران نیز در شهر یزد شکل گرفت، اواخر دوره پهلوی شهر یزد به یک شهر کارگری تبدیل شده بود. همراه با تغییر ساختار اقتصادی، ساختار کالبدی شهر یزد نیز از همان اوایل دوره پهلوی دگرگون گشت و به شهری جدید با اقتصاد جدید و خیابان‌ها، میدان‌ها و تأسیسات شهری جدید تبدیل شد. (سایکس، ۱۳۶۸: ۱۸۵ و ۲۱۲ و بلوشر، ۱۳۶۹: ۳۵ و ۱۰۳ و ۲۴۷ و ۲۹۶ و ۳۱۹). بعد از دوران ساسانیان و صفویان دوران پهلوی سومین عصر طلایی در بافت پارچه‌های زربافت و مخمل مخصوصاً به خاطر شهرهایی مثل یزد و کاشان را رقم زد (مژدگانی، ۱۳۸۰: ۱۸۵ و روزنامه ایران، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵). در سطح آموزش عالی دانشگاه امیرکبیر قبل از انقلاب تنها دانشگاهی بود که دارای رشته نساجی در سطح لیسانس بود (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

شعربافی در یزد دوره پهلوی

به مجموع مشاغل نساجی سنتی یزد از قبیل دارایی‌بافی^۱، احرامی‌بافی^۲، ترمه‌بافی^۳ بافت دستمال‌های سنتی و شال و غیره را که به‌وسیله دستگاه سنتی بافندگی بافته می‌شود شعربافی می‌گویند. بنابر اسناد موجود زندگی شهر روی دوش «شعربافیها» می‌گشت. (آل احمد، ۱۳۸۸: ۱۸۰) از آنجا که اساس شعربافی بر مدار مشاغل خانگی بود، در ابتدا توسط زنان انجام می‌شد، اما رفته رفته این هنر به یک فعالیت کارگاهی و مردانه تبدیل شد. (حاجی شریفی و ساسان نژاد، ۱۳۶۳: ۷۹) بنابر شواهد موجود اساس کار شعربافان دستگاه‌های چوبی است (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۱۸۹ تا ۱۹۰).

علاوه بر این از صنایع نساجی که در شهر تاریخی میبد وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد کاربافی است. در میبد کاربافی با پیشینه‌ای حدود ۶۰۰ سال (و یا حتی بیشتر) هنوز در برخی از محله‌های قدیمی به‌دست پرتوان پیر زنان جان دارد و بافته می‌شود و به‌صورت عام به هرگونه دستگاه‌داری «کار» می‌گویند و به عمل بافتن بر روی آن «کاربافی» می‌گویند. آنچه در این‌جا مورد بحث است، دست باف‌های پارچه‌ای می‌باشد، از جمله معروف‌ترین نوع تولیدات کاربافی، کرباس می‌باشد. در تعریف «کرباس» در لغت دهخدا آمده است «جامه‌ی سفید معروف، پارچه‌ی پنبه‌ای خشن که غالباً جامه‌ی مردان و زنان روستایی است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۱۹). طرح غالب آنها یا به‌صورت چهارخانه‌های ریز و درشت رنگی یا به‌صورت راه راه است. در منطقه کویری میبد با آب و هوای گرم و خشک می‌طلبید که انسان برای پوشاک خود از الیاف مناسبی استفاده کند. (شریفی، ۱۳۸۰: ۱۵ و خورشیدی، ۱۳۸۰: ۲۸، عظیمی دخت، بهار ۱۳۸۱: گزارش، وولف، ۱۳۷۲: ۱۸۴، کشاورز، ۱۳۸۰: گزارش معرفی خانه برونی (بیده)، کریمی، ۱۳۸۴: گزارش معرفی خانه برونی).

ترمه خجسته یزدی

ترمه خجسته در سال ۱۲۸۰ ش با مدیریت مرحوم حسین عباس (خجسته) آغاز به کار نمود. ایشان از شاگردان هنری غیاث‌الدین نقشبند یزدی بود. بسیاری از طرح‌ها و نقش‌های ابتکاری که ایشان طی عمر پربرکت خویش

^۱ . ایکات گونه‌ای روش رنگرزی و همچنین نوعی روش بافت اطلاق می‌شود. این شیوه بافت پارچه در تعدادی از کشورهای جهان متداول است و در ایران تنها در شهر یزد وجود دارد که به آن دارایی‌بافی نیز می‌گویند.

^۲ . این منسوج، بافت‌های از الیاف پشم و پنبه با طرح‌های ساده‌ی هندسی است که به وسیله‌ی دستگاه پارچه‌بافی دستی بافته می‌شود. در گذشته، نوع بدون نقش این دست بافته را به عنوان پوشش احرام در اجرای مناسک حج به کار می‌بردند، اما هم‌اکنون احرامی در اندازه‌های گوناگون در قالب سجاده، پادری، روفرشی، روتختی، کیف و محصولات مشابه بافته می‌شود.

^۳ . نوعی پارچه گران‌بهای بافته‌شده از الیاف بسیار لطیف است که از صنایع دستی نساجی نفیس ایران می‌باشد. نقش‌های منحنی مانند بته جقه و گل‌های شاه‌عباسی در رنگ‌های مختلف در ترمه به کار می‌رود. ترمه با طرح‌های بسیار متنوعی در نقاط مختلف ایران بافته می‌شود و ترمه یزد به زیبایی بسیار معروف است

به بازار عرضه نموده یا به فراگیران (از جمله فرزندش خلیل خجسته) آموزش داده است هم اکنون به صورت گسترده در حال استفاده است. پس از فوت ایشان در سال ۱۳۲۵ ش ترمه خجسته با مدیریت خلیل خجسته به فعالیت ادامه داد.

طرح‌های گلستان، قاب قرآنی، شبنم، دیبا، تاجی و... که نمونه‌هایی از آن موجود می‌باشد بخشی از تلاش‌های ایشان در صنعت ترمه‌بافی می‌باشد. دارایی‌بافی و رنگ آمیزی تارهای دارایی (بستن پیچون) از مهارت‌های خاص ایشان بود. با توجه به مشکلات نساجی به صورت دستیافت و مصرف بالای ترمه و منسوجات ایشان در سال ۱۳۴۶ چند دستگاه بافندگی با ماکو را به صورت قطعه قطعه (به دلیل مشکلات حمل و نقل در آن سال‌ها) از ژاپن به ایران وارد نموده و تا سال ۱۳۴۸ روش بافت ماشینی ترمه را ابداع نمود که آغازگر فصل نوینی در تولید ترمه ایران گشت. طی این سال‌ها با مدیریت ایشان کلیه محصولات خجسته علی‌الخصوص ترمه خجسته به شهرت جهانی رسیده و به یک برند تبدیل شد. ترمه خجسته هم اکنون فعالیت‌های خود را با مدیریت محمّدصادق خجسته و با نشان ثبت شده «ترمه خجسته» ادامه می‌دهد. (امامی میبدی، ۱۳۹۵، ترمه یزدی: ۷۶-۵۱، کریمی، ۱۳۸۰، ماهنامه هنر، ش ۶۴ و ۵۴). از روزگار صفوی بافندگی از مشاغل اصلی اهالی یزد بود. (آذر بیدگلی، ۱۳۴۰: ۱۳۳۷). از عصر صفوی نساج‌های یزدی میراث گذشته خود را به عالی‌ترین سطح ارتقا بخشیدند (کمسیون ملی یونسکو، ج ۲، ۱۳۴۶: ۱۳۴۳ و ۱۴۳۶). یزد به‌عنوان نماد برجسته تمدن‌های کاریزی، حائز برجسته‌ترین ویژگی آن یعنی توسعه صنایع دستی بود (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹: ۱۸). بر پایه شرایط مذکور هر چند قدمت نساجی یزد را می‌توان تا قرون نخستین اسلامی و حتی قبل آن رساند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۳۴، این بلخی، ۱۳۱۳: ۲۸۷) با روی کار آمدن پهلوی اول لباس مردان به کت و شلوار و کلاه پهلوی و لباس زنان به پیراهن و بلوز و دامن تبدیل شد و کارخانه‌های پارچه‌بافی به راه افتادند. استادان بزرگ برای تعلیم صنایع و هنرهای دستی فراخوانده شدند طاهرزاده، بهزاد ترک و حمید نقشبند از طراحان بزرگ ترمه‌بافی و رضایی یزدی از تولیدکنندگان تراز اول ترمه در یزد بودند. جی کلاک می‌نویسد: «هیچ زن مشکل پسندی در انگلستان عصر ویکتوریا گنجینه جامه خود را بدون شال نفیس کشمیری که اغلب از ایران آورده می‌شود کامل نمی‌داند» (آکرمن، ۱۳۶۱: ۳۰۳).

از اساتید نساج مشهور یزدی در دوره پهلوی عبارتند از: باقر فؤادی، شریف ترک، قدیری زاده، خلیل خجسته، غضنفر ملک ثابت (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۱۷۷) رمضان رضایی، به نوعی آخرین بافنده سنتی در زمان ما بود (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰: ۴۹ و لطف‌آبادی، ۱۳۷۱: ۵۹). سیدعلی میرجلیلی (محلّه پشت باغ)، حاج میرزا محمد کاظمی، حاج عبدالحسین وطنی، عزیز الله قدیر زاده و تنها احرام باف شهر یزد از گذشته استاد قدیرزاده و

مجمه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

همسرش می‌باشند. او همچنین مؤسس کارخانه سعادت نساجان است. خلیل خجسته (رمضان‌خانی، ۱۳۸۷: ۳۱۱-۳۱۷). عبدالحسین شریف ترک (کاظمینی، ۱۳۸۲: ۱۷۸۷) محمدعلی وطن پور (آیتی، ۱۳۱۷: ۴۱۸) غلام صنعتی (پدرصنعت نساجی نوین در ایران و یزد) در آغاز کودکی به بافندگی دستی پرداخته در اندک زمانی استاد ماهری شده در بافندگی شد (آیتی، ۱۳۱۷: ۴۱۹) او در سال ۱۳۵۵ جایزه ممتاز صنایع دستی کشور را برد (صدری، ۱۳۸۷: ۲۲۶). غلام صنعتی از نساجان یزد در قرن ۱۲ و ۱۳ ش بود. وی پیشگام ماشینی شدن و مدرنیزاسیون این صنعت در یزد. عده‌ای وی را «پدر نساجی مدرن در ایران» می‌خوانند. او با این تدبیر فنی و تغییر کلیدی ضمن افزایش میزان تولید و کیفیت محصول، زمینه‌ساز بروز انقلابی در صنایع نساجی یزد شد. غلام صنعتی در سال ۱۳۰۰ با سرمایه امیر خان کور اوغلی نخستین دستگاه بافندگی ماشینی و یک دستگاه مولد برق از آلمان وارد کرد و کارخانه اقبال یزد را به راه انداخت. در سال ۱۳۱۰ دو سال برای کارآموزی و آشنایی با ماشین‌آلات و خرید دستگاه‌ها به آلمان رفت و با سرمایه حسینعلی‌هراتی و دیگران دستگاه‌های مورد نیاز را خریداری، وارد، نصب و راه‌اندازی کرد و کارخانه درخشان یزد در سال ۱۳۲۵ و کارخانه سعادت نساجان را با همت خود و با سرمایه و سهام مردمی به راه انداخت (کاظمینی، ج ۲: ۱۳۸۳: ۱۹ و رمضان‌خانی، ۱۳۸۷: ۳۱۱-۳۱۷).

نتایج پژوهش

با تاسیس صفویه به سال ۹۰۷ ه. ق کشور با رشد تجاری و حمایت سلاطین از صنایع بافندگی همراه بود. در دوره قاجار و پهلوی با دلایلی که برخی اشاره شد (ورود منسوجات دستگاه‌های بافندگی خارجی، از بین رفتن نسل اساتید برجسته، عدم حمایت از این صنعت توسط دولت، نابودی شرایط تولید مواد خام و...) صنعت نساجی دچار افت نسبتاً زیادی شد. در نتیجه، مراکز صنعتی از جمله اصفهان، یزد و کرمان لطمه شدیدی دیدند و همراه با صنعتگران، پیشه آنها نیز نابود گردید. با سیاست‌گذاری دولت‌های اروپایی، ایرانیان تمایل پیدا کردند که از منسوجات و البسه غربی استفاده نمایند. لذا صادرات اروپا در این بخش به ایران به میزان زیادی گسترش یافت. آمار موجود از تجارت بین‌المللی ایران نشان دهنده افزایش واردات به کشور در این دوره می‌باشد. این امر حکایت از آن دارد که پادشاهان قاجار توجهی به اقتصاد ملی کشور نداشتند. ایران که در دوره‌های پیشین از تولیدکنندگان و صادرکنندگان انواع منسوجات نفیس و کاربردی به سایر نقاط جهان بود، با بی توجهی زمامداران به بازاری برای کالاهای غربی مبدل شد. با وجود این مسائل و مشکلات یزد یکی از مناطقی بود که توانست نه تنها صنعت نساجی را رونق دهد بلکه با تولیدات متعدد و فراوان و مرغوب و احیاء مجدد و رشد این صنعت آن را به آیندگان منتقل کند. در یزد اساتیدی روش و کار غیاث الدین نقشبند یزدی را تداوم بخشیدند

و پارچه‌های متنوع و مرغوبی، تولید نمودند که زینت بخش محافل و موزه‌ها و.. می‌باشند و گاهی بسیار گران‌قیمت و اشرافی و ارزشمند هستند و این مسائل باعث شده امروزه هنوز این استان دومین کانون نساجی در کشور باشد. از جمله راهکارهایی که برای رشد و توسعه نساجی سنتی در یزد پیشنهاد می‌شود عبارتند از:

۱. بازسازی دستگاه‌های نساجی را که از یک قرن گذشته منسوخ شده بود ۱.۲. اشتغال‌زایی و کسب درآمد برای متقاضیان ۳. دایر کردن کارگاه از طریق کارآفرینی ۴. میزبانی استان برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های مختلف ملی در زمینه نساجی سنتی برای درگیر کردن کارشناسان با ابعاد نساجی سنتی ۵. استفاده از دستگاه‌ها و ماشین‌های پیشرفته به دلیل سهولت تولید، کیفیت بهتر منسوجات ماشینی نسبت به سنتی و پایین بودن تنوع طرح‌های نساجی سنتی باعث جایگزینی ماشین‌ها به جای هنر دست هنرمندان شده است ۶. دولت نیز رویکرد خود را برای احیای هنر قدیمی به کار بسته و از هیچ حمایتی برای احیای این هنر اصیل چشم‌پوشی نکند ۷. بازدید گردشگران از کارگاه‌های سنتی که برای احیای هنر نساجی سنتی و... بسیار موثر است.

مأخذ:

اسناد

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران سند شماره ۱۸-۵- (۱۲۹۳ ه ق).
اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران سند شماره ۲۹-۱۸- (۴ ذیقعد ۱۳۱۷).

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۱۵-۸- (رمضان ۱۲۹۳).

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۱۷-۱۰- (۱۲۸۰-۱۲۷۹ ه ق).

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۲۰-۲۹- (ذی‌الحجه ۱۳۱۷).

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) شماره ۷۰۰۵۲۵.

سند شماره ۷۱۸۲۳۰، مکاتبه وزارت داخله و شهربانی.

گنجینه اسناد (۱۳۹۱) سال بیست و دوم، دفتر دوم.

مجمه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

مآخذ فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۲) / *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، چ ۷، نشر نی
- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۴۰) / *آتشکده آذر*، مقدمه و تعلیقات، سیدجعفر شهیدی، تهران، نشر کتاب.
- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷) / *تاریخ یزد (آتشکده یزدان)*، چاپخانه گلپهار یزد.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۸) / *غرب‌زدگی*، تهران، انتشارات مجید، چاپ چهارم.
- این بلخی (۱۳۱۳) / *فارس نامه این بلخی*، به اهتمام، سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، چاپخانه مهر.
- اسلامی ندوشن، احمدعلی (۱۳۸۰) / *صنایع نساجی در یزد (تاریخچه، استعدادها و چالش‌ها)*، نشر صداوسیما جمهوری
- اسلامی ایران مرکز یزد واحد مطالعات و تحقیقات و سنجش برنامه‌ای.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹) / *موانع رشد سرمایه داری در ایران*، تهران، پیام.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸) / *مسالک و ممالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش، ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار.
- امامی میدی، سید منصور (۱۳۹۴) / *سیر تحول نساجی یزد از پهلوی تا پایان قاجار*، یزد، نشر تیک.
- انصاری رنانی، قاسم (۱۳۸۰) / *تجارت در دوره قاجار*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۹) / *پایداری فرهنگ و تمدن کاریزی*، ج ۱، نشر شرکت آب یزد.
- تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۹۲) / *کتاب یزد در عصر صفوی*، یزد، انتشارات اندیشمندان یزد
- تفرشی، مجید، محمود طاهر احمدی (۱۳۷۱) / *گزارش‌های محرمانه شهربانی*، ج اول تهران، نشر سازمان اسناد ملی ایران.
- توحیدی، سید محمد (۱۳۴۶) / *صنایع دستی استان*، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان یزد.
- جسیم، اسماعیل (۱۳۹۱) / *تاریخ روزنامه‌نگاران ایران*، ناشر نشر علمی.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۷) / *قدیمی‌ترین روابط ایران و روس*، تهران، نشر کاوه گنج رایگان.
- حاجی شریفی، محسن و جواد ساسان نژاد (۱۳۷۳) / *خصوصیات الیاف نساجی*، چ ۲، مرکز نشر دانشگاهی.
- خجسته، زینب (زمستان ۱۳۹۲) / *الیاف نساجی*، یزد، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- خورشیدی، هادی (۱۳۸۰) / *پایان نامه پژوهشی در سفال میبد در گذشته، حال و چشم اندازه آینده*، پایگاه پژوهشی میبد.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵) / *زن در دوره قاجار*، تهران، دفتر مطالعات دینی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) / *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، نشر روزنه و چاپ مکرر، زیر نظر معین.
- دهقان منشادی، مهدی و لیلا هاشمی باجگانی (۱۳۷۹) / *یک قرن دگرگونی*، جلد اول
- رجائی عبدالمهدی (۱۳۹۲) / *تاریخ نساجی اصفهان در دوره قاجار و پهلوی*، چ اول، اصفهان، نشر جهاد دانشگاهی.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۸) / *اقتصاد ایران*، ج ۲، وزارت کشور و فرمانداری یزد.

- رضوی، سید محمد (۱۳۱۷) کشف الحقایق، یزد، نسخه خطی موجود در کتابخانه وزیری.
- رمضان خانی، صدیقه (۱۳۸۷) هنر نساجی در یزد، چاپ سبحان نور وابسته به میراث فرهنگی یزد.
- سپهری اردکانی (۱۳۶۴) تاریخ اردکان، ناشر کانون ولی عصار دکان و اداره ارشاد یزد. سلیمی ندوشن، احمد علی (۱۳۸۰) صنایع نساجی در یزد، تاریخچه، استعدادها و چالش‌ها، واحد تحقیقات صدا و سیما مرکز یزد.
- سیف احمد (۱۳۷۳) اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشمه.
- شرکت شهرک‌های صنعتی یزد (۱۳۸۹) دفتر خوشه‌های صنعتی، فایل گزارش مطالعه شناختی خوشه نساجی یزد.
- شریعت پناهی سید حسام‌الدین (۱۳۷۳) رویایی‌ها و لباس ایرانیان، تهران، نشر قومس.
- شریفی، محبی (۱۳۸۰) پایگاه پژوهشی میراث فرهنگی-گردشگری شهر تاریخی میبد.
- شیرین کام، فریدون (۱۳۹۰) پیشگامان رشد، نشر مرکز امور فرهنگی و نشر.
- صدری، نسرین (۱۳۸۷) پوشاک ایرانیان، چاپ اول، چ اول، انتشارات امیرکبیر.
- ضرابی زاده، فاطمه (خرداد ۱۳۹۱) پایان نامه صنعت پارچه‌بافی در یزد از دوره صفویه تا کنون، دانشگاه تهران
- طالب پور، فریده (۱۳۸۶) پارچه و نساجی در ایران، چ اول، دانشگاه الزهراء.
- طلوعی، محمود (۱۳۹۳) پدروپسر (ناگفته از حکومت پهلوی‌ها)، تهران، نشر علم.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰) شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، چ دوم، نشر گفتار با همکاری نشر علم.
- علمدار یزدی، علی اصغر و کرباسی (۱۳۸۶) بررسی کمی و کیفی ضایعات نساجی یزد و ارائه کاربردهای مناسب، نشر دانشگاه یزد
- فاضلی، محمود (۱۳۸۳) خاطرات قائم‌مقام‌الملك رفیع، تهران، نشر قطره.
- قهرمانی، ابوالفتح (۱۳۹۰) یزد نگین کویر، مجموعه اطلاعات و راهنمای سیاحتی.
- کاظمینی، میرزا محمد (۱۳۸۲) دانش نامه رجال و مشاهیر استان یزد، ۳ جلد، بنیاد ریحانه الرسول.
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۹۴) اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، ج ۱، تهران، نشر مرکز.
- کریمی (۱۳۸۴) کا کشاورز (زمستان ۱۳۸۰) گزارش معرفی خانه برونی (بیده) فاز اول، رولوه و برداشت، پایگاه پژوهشی میبد .
- لطف‌آبادی، محمود (۱۳۷۱) تحقیق دست بافته‌های ایساتیس، یزد، سازمان صنایع دستی یزد.
- ملازاده، حمید و محمدی، سعید (۱۳۷۹) سیری در کوچه خاطرات، نشر اراک.
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور (۱۳۸۱) انجمن بلدی و تجار و اصناف ایران در عصر رضاشاه (۱۳۸۵) ج ۱ و ۲، تهران، طبع و نشر.
- مجد، محمد علی (۱۳۸۹) رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، ترجمه مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مخبر السلطنه، هدایت (۱۳۸۹) خاطرات و خطرات، چاپ هفتم، انتشارات دایره سفید.

مجمه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

- مژگان، سید حسین (۱۳۸۰) *گل‌های ابریشمی*، تهران: انتشارات سروش
- مستوفی، محمد (۱۳۴۳) *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه*، ج ۳، ج ۲، تهران، نشر مصور.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶) *حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران*، تهران، خانداده موسوی، میرحسین، مسجدجامعی، احمد، مختاری، رضا، و خانیکی، هادی (۱۳۸۳) *گزارش‌های ایالات وولایات از اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ش*، تهران، طبع و نشر.
- نادریور، محمد امین، فرزانه؛ پور شمسی، مجید (۱۳۹۰) *فایل گزارش عملکرد پروژه توسعه خوشه نساجی یزد ۱۳۸۸-۱۳۷۸*.
- نجفی، موسی (۱۳۷۸) *ندیشه سیاسی و تاریخی حاج نورالله اصفهانی*، تهران، موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵) *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران، معینی.
- یاوری، حسین (۱۳۷۶) *نساجی سنتی در ایران*، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- آکرمن، فیلیس (۱۳۶۱) *نساجی ایران یافته‌های دوره اسلامی، دوره نخستین اسلام و دوره سلجوقی*، ترجمه، زردین دخت صابر شیخ، وزارت صنایع، تهران، نشر سازمان صنایع دستی ایران.
- بارل، رابرت مایکل (۱۳۹۲) *یادداشت‌های سیاسی ایران*، مترجم فشار امیری ناشر، مرکز اسناد انقلاب باست، الیور (۱۳۷۷) *آلمانی‌ها در ایران*، نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول بر اساس منابع دیپلمات فرانس، تهران، نشر شیرازه. اسلامی.
- بلوشر، وپرت (۱۳۶۹) *سفرنامه بلوشر*، ترجمه (کیکاووس جهاننداری) تهران، نشر خوارزمی.
- پولاک، یاک. ب ادوارد (۱۳۶۱) *سفرنامه (ایرانیان و ایرانیان) ترجمه، کیکاووس جهاننداری*، تهران: خوارزمی
- دستره، آنت (۱۳۶۳) *مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران*، مترجم، منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، تهران، نشر تاریخ ایران.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۸) *تاریخ ایران*، مترجم محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲) *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گسترده.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱) *جستارهای از تاریخ اجتماعی ایران*، مترجم ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.
- فوران، جان (۱۳۹۰) *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب اسلامی ایران)*، ترجمه، احمد تدین، تهران، موسسه خدماتی رسا.
- کلارا کولیور، رایس (خرداد ۱۳۶۶) *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، مترجم اسدالله آزاد، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- کرزن، جرج ن (۱۳۶۴) *ایران و قضیه ایرانی*، ترجمه وحید مازندرانی، نشر علمی وفر هنگی، چاپ سوم
- لمبتون، ا. ک. س (۱۳۷۵) *ایران عصر قاجار*، مترجم سیمین فصیحی، جاویدان خرد، تهران.
- نیدرمایر، اسکار فن (۱۳۶۳) *زیر آفتاب سوزان*، تهران، نشر تاریخ ایران

وولف، هانس ای (۱۳۷۲) صنایع دستی کهن ایران، ترجمه، سیروس ابراهیم زاده، تهران، نشر آموزش انقلاب همدین، سون اندرسن (۱۳۸۱) کویرهای ایران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مجلات

ابویی اردکان و معتمدی (پاییز ۹۱) «بررسی عوامل بازدارنده و پیشران در مسیر رشد و توسعه خوشه‌های صنعتی»، فصلنامه بهبود مدیریت، ش ۱۷: ۱۲-۱۱

امامی میدی، سید منصور (۱۳۹۵) «ترمه یزدی (کشمیری)» فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال ۴، ش ۸: ۷۶-۵۱

کمسیون ملی یونسکو (۱۳۴۶) «ایران شهر»، ج دوم، تهران، ش ۲۲: ۱۳۴۳ و ۱۳۳۶

بابایی، پروین (پاییز و زمستان ۱۳۹۳) «اول و آخر تویی مادرمیان»، فصلنامه نقد کتاب، سال اول: ۱۵۷

بهبود مدیریت (تابستان ۱۳۹۴) سال نهم، ش ۲، پیاپی ۲۸

تشکری، علی اکبر (بهار و تابستان ۱۳۹۲) «درآمدی بر صنعت بافندگی یزد در عصر صفوی»، پژوهش نامه اجتماعی و اقتصادی، ش ۱: (۶۵-۵۱)

حسن نژاد، زمانه (بهار و تابستان ۱۳۹۳) «عوامل موثر بر رشد صنایع نساجی مازندران در عصر پهلوی،

روزنامه ایران، سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵

روزنامه ایران، شماره ۶۸۱۷ به تاریخ ۹۷/۱۲/۴

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای (۱۳۸۶) «سیمای صنعتی و نساجی یزد»: ۱۶۰

شایسته فر، مهناز (شهریور ۱۳۸۷) «نگاهی بر هنر نساجی و پارچه‌بافی ایران»، نشریه، اطلاع‌رسانی و کتابداری، کتاب ماه هنر، ش ۱۲۰: ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۲۴۲

شیرزاد، احمد (۱۳۹۲) «پژوهشی در فن پارچه‌بافی دوران پهلوی در ایران»، ماهنامه بین‌المللی نساجی امروز، ش ۴۲: ۱۵۴ و ۴۶

عظیمی دخت، سیدجلال (بهار ۱۳۸۱) «گزارش زمینه‌یابی تشکیل تعاونی کرباس بافان شهرستان میبد»، سازمان جهادکشاورزی استان یزد.

فربود، فریناز و محمدرضاپور (۱۳۸۶) «بررسی تطبیقی منسوجات ایرانی و ساسانی و روم شرقی

(بیزینس)»، نشریه هنری زیبا، شماره ۳۱: ۴.

کریستی، در اچ، پتینگر (۱۸۱۶) «سفری به بلوچستان و سند»، چکیده‌ی مقاله کاپیتان کریستی پس از کناره‌گیری وی از درجه‌ی کاپیتانی: ۴۲۱

کریمی، حمیده (خرداد و تیر ۱۳۸۰) «ترمه، تار و پودی از جنس طبیعت»، ماهنامه هنر، ش ۶۴-۵۴.

مسعودی، عباس (بهمن ۱۳۱۱) مجله اتاق تجارت، ش ۵۶

میرشمسی، سعید (زمستان ۱۳۸۳) فصل نامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ یزد، ش ۲۱: ۶۹

مجله مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

نصیری، حمید، (تیر ۱۳۹۱) «بازاریابی، کلید رونق صنعت نساجی در یزد» ماهنامه صنعت نساجی و پوشاک، سال سی ام، ش ۲۲۴: ۱۵
وشمه، علی، سهیلا ترابی فارسانی و ناصرجدیدی (پاییز ۱۳۹۶) «سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دوم در زمینه صنعت با تأکید بر روابط ایران و آلمان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ ش/۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ م»، مقاله ۶، دوره ۹، ش، سه شماره پیاپی ۳۵، ۶۷-۷۸ و ش ۱

Documentary sources

Office documents and diplomatic history of Iran's Ministry of Amvrkharjh Document No. 18-5 - 1293 (AH). [In Persian]

Office documents and diplomatic history of Iran's Ministry of Amvrkharjh document No. 29 18. (4 Zyqdh 1317). [In Persian]

Office documents and diplomatic history of Iran's Ministry of Amvrkharjh, Document No. 15-8- (Ramadan 1293). [In Persian] .

Office documents and diplomatic history of Iran's Ministry of Amvrkharjh, Document No. 17-10- (1279-1280H.q). [In Persian]

Office documents and diplomatic history of Iran's Ministry of Amvrkharjh, Document No. 20-29- (Dhu al-Hijjah 1317). [In Persian]

Documents and National Library of Iran (Sakma) No. 700525. [In Persian]

Document No. 718230, Correspondence of the Ministry of Interior and Police. [In Persian]

Ganjineh Asnad (2012), year 22, second book. [In Persian]

Persian research sources[In Persian]

Persian research sources

Abrahamian, Yarvand (2002) **Iran between the two revolutions**, translated by Ahmad

Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Tehran, Ch. 7, Ney Publishing. [In Persian]

Azar Bigdeli, Lotfali Bey (1998) **Azar Fire Temple, Introduction and Comments**, Seyed Jafar Shahidi, Tehran, Book Publishing. [In Persian]

Ayati, Abd al-Hussein (1317) **History of Yazd (Yazdan Fire Temple) Yazd**, Golbahar [In Persian]

Ayatollah, Mirza Javad (2013) **Memoirs of the 1350s, Yazd Textile Industries, Introduction.** . [In Persian]

Al-Ahmad, Jalal (2009) **Westernization**, Tehran, Majid Publications, Fourth Edition. [In Persian]

Printing House, Yazd. Ibn Balkhi (1313) **Ibn Balkhi Farsnameh**, by Seyed Jalaluddin Tehrani, Tehran, Mehr Printing House. [In Persian]

Eslami Nodooshan, Ahmad Ali (2001) **Drizd Textile Industries (History, Talents and Challenges)** Publication of the Radio of the Islamic Republic of Iran, Yazd Center, Program Studies, Research and Evaluation Unit. [In Persian]

Ashraf, Ahmad (1980) **Obstacles to the growth of capitalism in Iran**, Tehran, Payam. Istakhri, [In Persian]

Abu Ishaq Ibrahim (1368) **Schools and countries, translated by Mohammad bin Asad bin Abdullah Testari**, with effort, Iraj Afshar, Tehran, Mahmoud Afshar Endowment Foundation. [In Persian]

Emami Meybodi, Seyed Mansour (2015) **The textile evolution of Yazd from Pahlavi to the end of Qajar**, Yazd, Tik Publishing. [In Persian]

Ansari Renani, Ghasem (2001) **Business in the Qajar Period**, Tehran, Allameh Taba Tabaei University. [In Persian]

Papli Yazdi, Mohammad Hossein (2000) **The Stability of Karizi Culture and Civilization**, Vol. 1, Yazd Water Company Publishing. [In Persian]

Tashkari Bafghi, Ali Akbar (2013) **Yazd Book in the Safavid Era**, Yazd, Yazd Thinkers Publications [In Persian]

Tafreshi, Majid, Mahmoud Tahrahamdi (1992) **Shahrbani Confidential Reports**, Volume I of Tehran, Publication of the National Archives of Iran. [In Persian]

Tohidi, Seyed Mohammad (1346) **Handicrafts of the province**, General Department of Economic Affairs and Finance of Yazd province. [In Persian]

Jasim, Ismail (2012) **History of Iranian Journalists, published by Nashr-e-Alami. Jamalzadeh**, [In Persian]

- Mohammad Ali (1347) **The oldest relations between Iran and Russia**, Tehran, Kaveh Ganj Publishing for free. [In Persian]
- Publications. Haji Sharifi, Mohsen and Javad Sasannejad (1374) **especially textile fibers**, Ch 2, University Publishing Center. [In Persian]
- Khojasteh, Zeinab (Winter 2013) **Textile Fibers, Yazd**, Thesis of Islamic Azad University, Yazd Branch. [In Persian]
- Khorshidi, Hadi (2001) **Research dissertation in Meybod pottery In the past**, present and future perspective, Meybod research base. [In Persian]
- Delrish, Bashari (1375) **Woman in the Qajar period**, Tehran, Office of Religious Studies. [In Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar (1373) **Dehkhoda Dictionary**, Tehran, Rozaneh Publishing and Repeated Printing, under Moin. [In Persian]
- Dehghan Manshadi, Mehdi Valila Hashemi Bajgani (2000) **A Century of Transformation**, Volume One [In Persian]
- Rajaei Abdolmahdi (2013) **The textile history of Isfahan in the Qajar and Pahlavi eras**, Vol. I, Isfahan, University Jihad Publishing. [In Persian]
- Razzaqi, Ebrahim (1989) **Iranian Economy**, Volume 2, Ministry of Interior and Yazd Governorate. [In Persian]
- Razavieh, Seyed Mohammad (1317) **Discovering the facts**, Yazd, manuscript available in Vaziri library. [In Persian]
- Ramazan Khani, Sedigheh (2008) **Textile art in Yazd**, published by Sobhan Noor related to Yazd cultural heritage. [In Persian]
- Sepehri Ardakani (1364) **Tarikh Ardakani**, publisher of Kanoon Vali Asrrdakan and Yazd Guidance Office. [In Persian]
- Salimi Nodooshan, Ahmad Ali (2001) **Textile Industries in Yazd**, History, Talents and Challenges, Yazd Central Broadcasting Research Unit. [In Persian]
- Seif Ahmad (1373) **Iranian Economy in the Nineteenth Century**, Tehran, Cheshmeh Publishing. [In Persian]
- Yazd Industrial Towns Company (2010) **Office of Industrial Clusters**, Yazd Textile Cluster Cognitive Study Report File. [In Persian]
- Shariat Panahi Seyed Hesamuddin (1373) **Europeans and Iranians**, Tehran, Nashr-e Qoms. [In Persian]

- Sharifi, Mohebbi (2001) **Meybod Cultural Heritage-Tourism Research Base**. [In Persian]
- Shirin Kam, Fereydoun (2011) **Pishgaman Roshd**, published by the Center for Cultural Affairs and Publishing. [In Persian]
- Sadri, Nasrin (2008) **Iranian clothing, first edition**, first edition, Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Zarabizadeh, Fatemeh (June 2012) **Thesis of the textile industry in Yazd from the Safavid period until now**, University of Tehran [In Persian]
- Talebpour, Farideh (2007) **Textiles in Iran**, Vol. I, Al-Zahra University. [In Persian]
- Tolouei, Mahmoud (2015) **Pedropsar (Unspoken from the Pahlavi government)**, Tehran, Nashr-e Alam. [In Persian]
- Aghili, Baqer (2001) **Biography of contemporary Iranian political and military figures**, Ch II, Publication of a speech in collaboration with Alam Publishing. [In Persian]
- Alamdarizadi, Ali Asghar and Karbasi (2007) **Quantitative and qualitative study of Yazd textile wastes and presenting suitable applications**, Yazd University Press [In Persian]
- Fazeli, Mahmoud (1383) **Memoirs of Ghaem Magham Al-Molk Rafi**, Tehran, Qatreh Publishing. [In Persian]
- Ghahremani, Abolfath (2011) **Yazd Negin Kavir**, information collection and tourist guide. [In Persian]
- Kazemini, Mirza Mohammad (2003) **Encyclopedia of Men and Celebrities of Yazd Province**, 3 Jizd, Reyhaneh Al-Rasool Foundation. [In Persian]
- Yavari, Hossein (1997) **Traditional Textile in Iran, Tehran**, Islamic Propaganda Organization. [In Persian]
- Karimi (2005) **Exterior house maintenance and restoration workshop**, second phase, history of Meybod city research base Keshavarz (Winter 2001) Introduction Report of Exterior House (Bideh) First Phase, Rolveh and Harvest, Meybod Research Center [In Persian]
- Lotfabadi, Mahmoud (1992) **Research on Isatis hand-woven fabrics**, Yazd, Yazd Handicrafts Organization. [In Persian]
- Mollazadeh ◊ Hamid◊ and Mohammadi, Saeed (1379) **A walk in the alley of memories**, Nashrark. [In Persian]

Deputy of Management and Information Services of the Office of the President (2002) **Iranian Association of Trade Unions and Trades in the Age of Reza Shah** (2006) Volumes 1 and 2, Tehran, Printing and Publishing. [In Persian]

Majd, Mohammad Gholi (2010) **Reza Shah and Britain based on US State Department documents**, translated by Mostafa Amiri, Tehran, Institute of Political Studies and Research. [In Persian]

Mokhber-ol-Saltaneh, Hedayat (2010) **Memoirs and Dangers**, seventh edition, White Circle Publications. [In Persian]

Mojgani, Seyed Hossein (2001) **Silk Flowers**, Tehran: Soroush Publications [In Persian]

Mostofi, Mohammad (1343) **My biography or social history of the Qajar period**, vol. 3, ch. 2, Tehran, illustrated publication. [In Persian]

Motazedeh, Khosrow (1987) **Haj Amin al-Zarb and the history of trade and industrial investment in Iran**, Tehran, Janzadeh [In Persian]

Mousavi, Mir Hossein, Masjed-e-Jamei, Ahmad, Mokhtari, Reza, Vakhani, Hadi (2004) Reports of the Provinces and Socio-Economic Situations of Iran in 1310, Tehran, Print and Publishing. [In Persian]

Naderpour, Amin, Mohammad Farzaneh; Pourshamsi, Majid (2011) **Performance file of Yazd Textile Cluster Development Project, 2009-2010**. [In Persian]

Najafi, Musa (1999) **Political and Historical Thought of Haj Noorullah Isfahani**, Tehran, Department of Contemporary History Studies. [In Persian]

Homayoun Katozian, Mohammad Ali (1987) **The Political Economy of Iran from the Constitution to the Fall of Reza Shah**, translated by Mohammad Reza Hosseini, vol. 1, Tehran, Bija [In Persian]

Verhram, Gholamreza (2006) **The Political System and Social Organizations of Iran in the Qajar Era**, Tehran, Moeini. [In Persian]

foreign resources

منابع خارجی

Ackerman, Phyllis (1982) **Iranian Textile Weaves of the Islamic Period**, the First Period of

- Islam and the Seljuk Period, translated by Zardin Dokht Saber Sheikh, Ministry of Industry, Tehran, published by the Iranian Handicrafts Organization. [In Persian]
- Barrel, Robert Michael (2013) **Iranian Political Notes**, Translator Amiri Press, Publisher, Revolutionary Documentation Center [In Persian]
- Bast, Oliver (1998) **The Germans in Iran, A Look at Iran's Developments in World War I Based on French Diplomat Sources**, Tehran, Shirazeh Publishing. [In Persian]
- Bluesher, Wippert (1990) **Bluesher Travelogue**, translated by Kikavous Jahandari, Tehran, Kharazmi Publishing. [In Persian]
- Pollack, Yak.B. Edward (1982) **Travelogue (Iranians and Iranians) Translation**, Kikavous Jahandari, Tehran: Kharazmi [In Persian]
- Dastreh, Annette (1363) **Belgian employees in the service of the Iranian government**, translator, Mansoureh Etehadiyeh (Nezam-e-Mafi), Tehran, Iran History Publishing. [In Persian]
- sykes, Supervision (1989) **History of Iran, translated by Mohammad Taghi Fakh Daei Gilani**, Tehran, Book World. [In Persian]
- Issavi, Charles (1362) **Economic History of Iran**, translated by Yaghoub Azhand, Tehran, wide publication. [In Persian]
- Flora, Willem (1371) **Essays on the Social History of Iran**, translated by Abolghasem Sari, Tehran, Nashr-e-Toos. [In Persian]
- Furan, Jan (2011) **Fragile Resistance (History of Social Developments in Iran from 1500 AD to the Islamic Revolution of Iran)**, translated by Ahmad Tadayon, Tehran, Rasa Service Institute. [In Persian]
- Claracoliver, Rice (June 1987) **Iranian women and their way of life**, translated by Assadollah Azad, Mashhad, Astan Quds Razavi Cultural Deputy. [In Persian]
- Curzon, George N. (1985) **Iran and the Iranian Case**, translated by Vahid Mazandarani, Wafar Hongi Scientific Publishing, Third Edition [In Persian]
- Lemton, AKS (1375) **Iran of Qajar era**, meter Jam Simin Fassihi, Javidan Kherad, Tehran
- Niedermayer, Oscar Fan (1984) **Under the Burning Sun, Tehran**, Iran History Publishing. [In Persian]

مجله مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۱- زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱-۲۹.

Wolf, Hans E. (1993) **Ancient Iranian handicrafts**, translation, Sirous Ebrahimzadeh, Tehran, Islamic Revolution Education Publishing. [In Persian]

Hadin, Sonundersen (2002) **Deserts of Iran**, Association of Cultural Works and Honors. [In Persian]

Journals.

Aboui Ardakan and Motamedi (Autumn 91) "**Study of Inhibitors and Propellants in the Growth and Development of Industrial Clusters**", Quarterly Journal of Management Improvement, Vol 17: 12-11 [In Persian]

Emami Meybodi, Seyed Mansour (2016) "**Termeh Yazdi (Kashmiri)**" **Quarterly Journal of Historical Studies of the Islamic World**, Volume 4, Issue 8: 76-51 [In Persian]

UNESCO National Commission (1346) "**Iranshahr**", Volume II, Tehran,, 22: 1343 and 1336[In Persian]

Babaei, Parvin (Autumn and Winter 2014) "The First and the Last You Mother", Book Review Quarterly, First Year: 157[In Persian]

Management Improvement (Summer 2015) Year 9, Vol 2, Consecutive 28 [In Persian]

Tashkari, Ali Akbar (Spring 2013) "**An Introduction to the Weaving Industry of Yazd in the Safavid Era**", Social and Economic Research Journal, Vol. 1: (51-65) [In Persian]

Hassan Nejad, Zamaneh (Spring and Summer 2014) "**Factors Affecting the Growth of Mazandaran Textile Industries**" **Journal of Social and Economic History**, Third Year, Vol. 1: (29-45) [In Persian]

Iran newspaper, Tuesday, May 4, 2006.

Iran Newspaper, No. 6817 on 4/12/97

Vocational Education Organization (2007) "**Yazd Textile Industrial Textile**": 160 [In Persian]

Shayestehfar, Mahnaz (September 2008) "**A look at the textile art and weaving of Iran**", Journal of Information and Librarianship, Book of the Month of Art, 120: 122, 123 and 242[In Persian]

- Shirzad, Ahmad (2013) "**Research in the Weaving Technique of the Pahlavi Era in Iran**", Today International Textile Monthly, pp. 154: 42 and 46 [In Persian]
- Azimi Dokht, Seyed Jalal (Spring 2002) "**Report on the formation of the Karbas Bafan Cooperative in Meybod**", Yazd Agricultural Jihad Organization. [In Persian]
- Farboud, Farinaz and Mohammad Rezapour (2007) "**Comparative study of Iranian and Sassanid textiles in Eastern Rome (Byzantium)**", Ziba Honari, No. 31: 4. [In Persian]
- Christie, in H. Pettinger (1816) "**Journey to Balochistan and Sindh**", Abstract of Captain Christie's article after his resignation from the rank of Captain: 421 [In Persian]
- Karimi, Hamideh (June 2001) "**Cashmere, thread and fabric of nature**", Art Monthly, pp. 64-54 [In Persian]
- Masoudi, Abass (February 1961) "**Chamber of Commerce Magazine**", Vol. 56 [In Persian]
- Mirshamsi, Saeed (Winter 2004) Cultural Research Quarterly of Yazd Culture, Sh 21: 69 [In Persian]
- Nasiri, Hamid, (July 2012) "**Marketing, the key to the prosperity of the textile industry in Yazd**" Textile and Garment Industry Monthly, Volume 30, Issue 224: 15 [In Persian]
- Vashmeh, Ali, Soheila Torabi Farsani and Nasser Jadidi (Autumn 1396) "**Economic policies of the second Pahlavi government in the field of industry with emphasis on Iran-Germany relations from 1340 to 1357/1961 to 1978**", Article 6, Volume 9, Number 3, 35, 67-78 [In Persian]
- Site list